

تاریخ برنامه ریزی اقتصادی در ایران

در این نوشتار ضمن بیان سابقه برنامه ریزی، به نقد و بررسی اجمالی برنامه های عمرانی تدوین شده و نقش امپریالیسم در آن خواهیم پرداخت.

سابقه برنامه ریزی در اقتصاد ایران

در سال ۱۳۱۶ برای اولین بار در تاریخ معاصر ایران به مفهوم «برنامه ریزی در امور اقتصادی» برمی خوریم. دولت برای رسیدن به اهداف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با پیشنهاد اداره کل تجارت، اقدام به تأسیس شورای اقتصاد کرد که ریاست شورا به عهده نخست وزیر گذاشته شد. یکی از وظایف این شورا، طرح نقشه های عمرانی و ارائه طریق در اجرای آنها تعیین گردید.

شورای اقتصاد در ۶ مهرماه ۱۳۱۶ اقدام به تأسیس کمیسیون دائمی به نام کمیسیون تهیه برنامه، به منظور افزایش تولید محصولات کشاورزی کرد. این کمیسیون پیشنهادهایی درباره اصلاح وضع کشاورزی و مسئله مهاجرت تنظیم کرد. اما پس از سال ۱۳۱۷ موضوع مسکوت ماند و تا پایان جنگ جهانی دوم اثری از آن در اقتصاد ایران مشاهده نمی شود و دلایل متوقف شدن آن چندان روشن نیست.

پس از خاتمه جنگ جهانی دوم، ضرورت تدوین یک برنامه عمرانی، تجدید سازمان تمامی مؤسسات انتفاعی دولتی مطرح گردید و این امر همزمان بود با رویه زوال رفتن قدرت امپراطور انگلیس پس از پایان جنگ دوم جهانی و عدم امکان مداخله این

کشور در کشورهای دیگر از جمله ایران، و این مسئله زمینه را برای نفوذ هر چه بیشتر امریکا در جهان سوم آماده کرد و ترومن رئیس جمهور وقت امریکا طرحی را مبتنی بر انجام اصلاحات اجتماعی-اقتصادی برای تثبیت نظام سرمایه داری در مقابل با کمونیسم و نهضت های آزادیبخش جهان سوم ارائه نمود. قسمتی از طرح تحت عنوان «طرح مارشال» برای بازسازی و ترمیم خرابیهای جنگ در اروپا و قسمت دیگر طرح تحت عنوان «اصل ۴ ترومن»^۱ برای کمک به کشورهای غیراروپایی که در جنگ صدمه دیده بودند مطرح گردید.

امریکا به کمک مستشاران نظامی و جاسوسانش از طریق فعالیت ادارات اصل چهار به دخالت مستقیم در ایران پرداخت. در این راستا یکی از ابزارهایی که امریکا برای تحکیم و تثبیت سلطه خود در ایران از آن بهره می گرفت، مشارکت در تدوین برنامه های عمرانی و تعیین الگوی رشد و توسعه مورد نظر در ایران از طریق بانک بین المللی توسعه و ترمیم، شرکتهای مشاوره امریکایی «موریس نودسن» و «ماورای بحار» و سفارت امریکا در تهران بود.^۲

در سال ۱۳۲۵ هیئتی بنام «کمیته برنامه» از طرف دولت تشکیل گردید تا برنامه ای را جهت توسعه اقتصادی برای مدت ۷ سال تهیه و تنظیم کند. این هیئت گزارش خود را در پایان خرداد ماه همان سال به دولت تسلیم کرد. پس از بررسی متن پیشنهادی چنین تشخیص داده شد که توانایی مالی کشور برای اجرای آن کافی نیست. بدین خاطر فکر گرفتن یک وام ۲۵۰ میلیون دلاری از بانک بین المللی توسعه و ترمیم^۳ مطرح گردید. در نیمه دوم سال ۱۳۲۵ با این بانک مذاکره شد. چون بانک اصولاً برای طرحهای مشخص وام می پرداخت، جزئیات طرح و برنامه های پیشنهادی را خواستار شد. بدین منظور دولت ایران در آذرماه ۱۳۲۵ ظاهراً از طریق یکی از اتباع امریکایی بنام «ماکس وستون ثورن برگ»^۴ با شرکت امریکایی «موریس نودسن» برای تنظیم برنامه عمرانی قراردادی

۱. ترومن در خاطرات خود درباره این طرح می نویسد: «برنامه اصل ۴ یک اقدام عملی برای نشان دادن رویه ما نسبت به کشورهایی بود که مورد خطر سلطه کمونیسم قرار گرفته بودند».

۲. بانک ملی ایران- تاریخچه تنظیم برنامه هفت ساله عمران و آبادی ایران، بهمن و اسفند ۱۳۲۷.

۳. بانک بین المللی توسعه و ترمیم در سال ۱۹۴۵ جهت ترمیم و بازسازی در اروپا بوجود آمد و کانال سرمایه گذاری امریکا می باشد.

۴. یان تین برگن، برنامه ریزی مرکزی، ترجمه دکتر احمد عظیمی بلوریان، فصل اول.

منعقد کرد. این شرکت پس از ۴ ماه بررسی، سه برنامه در مقیاس های مختلف به دولت ایران ارائه داد؛ ولی وسعت این برنامه ها خارج از حدود امکانات مالی دولت بود. به دنبال آن، شورای عالی برنامه یکی از اعضایش، به نام «مشفرف نفیسی» را مامور کرد تا براساس تحقیقات و نظریات شرکت «موریس نودسن» برنامه ای قابل اجرا تهیه کند.

گزارش «مشفرف نفیسی» در ۱۰ آذرماه ۱۳۲۶ تهیه شد، و هزینه آن ۲۱ میلیارد ریال برآورد گردید که برای تامین قسمتی از آن می بایست مبلغ شش میلیارد و ۷۰۰ میلیون ریال از بانک جهانی وام گرفته شود. سرانجام در بهمن ماه ۱۳۲۷ لایحه قانون اجرای برنامه هفت ساله کشور در مجلس شورای ملی مطرح شد و به تصویب رسید. اما چون پیش بینی نشده بود که حدود ۳۲ درصد (حداکثر ۲۵۰ میلیون دلار) وام از بانک جهانی گرفته شود، دولت در نیمه دوم سال ۱۳۲۷ قراردادی به نام «قرارداد خدمات تخصصی» با شرکت «مشاوره ای ماورای» به منظور تهیه یک برنامه تفصیلی براساس قانون برنامه منعقد کرد. گزارش این موسسه در مهرماه ۱۳۲۸ تسلیم مقامات ایرانی شد و دولت به منظور اجرای این برنامه سازمان برنامه را تاسیس نمود و بدین ترتیب ایران رسماً دارای برنامه و سازمان مسئول اجرای آن گردید.

برنامه عمرانی اول «هفت ساله» (۱۳۳۴ - ۱۳۲۷)

قانون برنامه در ماده اول خود، اهداف اجرای برنامه را چنین اعلام می دارد: افزایش و تولید و تکثیر صادرات، تهیه مایحتاج مردم در داخله کشور، ترقی کشاورزی و صنایع، اکتشاف و بهره برداری معادن و ثروتهای زیرزمینی مخصوصاً نفت، اصلاح و تکمیل وسایل ارتباط و اصلاح امور بهداشت عمومی، انجام هر نوع عملیاتی برای عمران کشور، بالا بردن سطح معلومات و زندگی افراد، بهبود وضع معیشت عمومی، تنزل دادن هزینه زندگی ...^۱

پیش بینی درآمد و هزینه های اولین برنامه هفت ساله در این قانون به این شرح ارائه شده است:^۲

۱. مجموعه قوانین برنامه های عمرانی کشور، انتشارات سازمان برنامه، ص ۲.
۲. همان مأخذ، ص ۲ تا ۵.

درآمد برنامه :	مبلغ (به میلیارد ریال)	درصد از کل درآمد
نفت	۷٫۸	۳۷٫۱
فروش دارائیهای دولتی	۱٫-	۴٫۸
مشارکت مؤسسات خصوصی	۱٫-	۴٫۸
وام از بانک ملی ایران	۴٫۵	۲۱٫۴
وام از بانک بین المللی	۶٫۷	۳۱٫۹
کل درآمد	۲۱٫-	۱۰۰٫-
هزینه ها :		
هزینه برنامه :	مبلغ (به میلیارد ریال)	درصد از کل هزینه
کشاورزی	۵٫۳	۲۵٫-
راهسازی و ساختمان راه آهن و		
بنادر و فرودگاهها	۵٫-	۲۳٫۸
صنایع و معادن	۳٫-	۱۴٫۳
توسعه صنعت نفت	۲٫-	۴٫۸
پست و تلگراف	۰٫۸۰	۳٫۶
امور اجتماعی	۶٫-	۲۸٫۵
کل هزینه :	۲۱٫-	۱۰۰٫-

آن گونه که از توزیع اعتبارات برنامه در بخش هزینه ها برمی آید، الگوی توسعه موردنظر، توسعه کشاورزی آن هم از طریق بخش خصوصی است که دولت نیز در سدسازی و ارائه خدمات کشاورزی و دادن اعتبار به بخش خصوصی در اجرای آن کمک می کند.^۱

این برنامه موجب رشد و توسعه ایران نمی گردید بلکه ایران را به عنوان یک کشور

تامین کننده مواد خام، کشاورزی و معجری برای کشورهای غربی درمی آورد و توسعه امکانات حمل و نقل و ارتباطات مورد نظر در این برنامه نیز در جهت گسترش بازار مصرف ایران در خدمت به امپریالیسم می انجامید.

برنامه عمرانی اول تنها در دو سال اجرا شد و با آغاز نهضت ملی کردن نفت و تحریم همه جانبه ایران توسط امپریالیسم، درآمد دولت که از طریق نفت تامین می شد، قطع و ذخایر ارزی ایران در انگلستان مسدود گردید. بانک بین المللی توسعه و ترمیم که از ابزار سلطه اقتصادی امریکا پس از جنگ دوم جهانی محسوب می شد، با شرکت در این تحریم، از پرداخت وام به ایران خودداری کرده، پرداخت آن را موکول به موافقت ایران با پیشنهاد شرکت نفت انگلیس و ایران کرد. این وضع تا سال ۱۳۳۳ ادامه یافت. گرچه در این سال با حاکمیت امپریالیسم از طریق کنسرسیوم بر نفت ایران، درآمد نفت مجدداً به جریان افتاد اما توقف سه ساله آن کافی بود تا دستیابی به هدفهای اصلی برنامه را ناممکن سازد. کل درآمد، در خلال دوره برنامه بجز ۴/۲ میلیارد ریال کمک خارجی، در حدود ۷/۶ میلیارد ریال یعنی کمی بیش از یک سوم مبلغ برآورده شده بود.^۱

این برنامه شش ماه پیش از پایان پیش بینی شده اش به فراموشی سپرده شد؛ در حالی که هنوز ۸ میلیارد ریال از تعهدات مربوط به آن پرداخت نشده بود.^۲ دستاوردهای عینی این برنامه از تاسیس ۶ کارخانه جدید، ساختن مقداری راه آهن و اجرای معدودی طرحهای غیر عمد آبیاری و مکانیزه کردن مزارع در بخش کشاورزی فراتر نرفت.^۳ یکی از اقداماتی که در کنار برنامه اول اجرا شد و به تثبیت سلطه امریکا در ایران پرداخت، اصل ۴ ترومن بود که محدوده فعالیت آن شامل تمامی زمینه های اقتصادی و اجتماعی از ورود گرد «د. د. ت» تا ایجاد کارخانه های ارزان قیمت، تربیت پرستار و مکانیزه کردن کشاورزی می شد؛ و از طریق اعطای کمکهای مالی به بخش مختلف اقتصادی زمینه لازم برای ورود کالاهای مصرفی را نیز آماده کرد.

۱. باری یر. ج. اقتصاد ایران، موسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی، ص ۱۳۲.

۲. همان مأخذ ۱۳۲.

۳. همان مأخذ ۱۳۲.

برنامه عمرانی دوم (۱۳۴۱ - ۱۳۳۴)

با استقرار دولت کودتا پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برنامه دوم عمرانی به منظور گسترش پایه های اجتماعی رژیم از طریق هزینه های جاری و عمرانی دولت و با هدف رشد و توسعه سرمایه داری با همکاری گروه «مشاوره هاروارد» امریکایی تدوین گردید. قانون آن نیز در ۱۸ اسفند ماه ۱۳۳۴ به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

هدف از اجرای این برنامه، همانند برنامه اول چنین اعلام گردید: افزایش صادرات، تهیه مایحتاج مردم در داخل کشور، پیشرفت کشاورزی و صنایع، اکتشاف و بهره برداری از معادن و ثروتهای زیرزمین، اصلاح امور بهداشت عمومی و انجام هر نوع عملیات دیگر برای عمران کشور و تکمیل وسایل ارتباطی، بالابردن سطح فرهنگ و زندگی افراد و بهبود وضع معیشت عمومی ...

اعتبارات این برنامه که مدت آن مشابه برنامه اول هفت ساله بود از دو بخش زیر تشکیل گردید:^۱

الف: اعتبار مانده از برنامه اول در مهرماه ۱۳۳۴ به مبلغ ۱۷/۲ میلیارد ریال

ب: اعتبارات برنامه دوم به مبلغ ۵۲/۸ میلیارد ریال

در این برنامه درآمدها و هزینه ها به شرح زیر پیش بینی شده بود:^۲

درآمد:	کل درآمد (به میلیارد ریال)	بودجه عمومی	سازمان برنامه
نفت	۱۰۱/۵	۲۸/۵	۷۳/-

هزینه ها:	تعهدات برنامه اول	اعتبارات برنامه دوم	جمع	درصد به کل
کشاورزی آبیاری	۶/۲	۱۱/۹	۱۸/۲	۲۶
ارتباطات و مخابرات	۵/۳	۱۷/۴	۲۲/۸	۳۲/۶
صنایع و معادن	۲/۷	۷/۸	۱۰/۵	۱۵/۱
امور اجتماعی	۲/۸	۱۵/۵	۱۸/۴	۲۶/۳
کل هزینه ها:	۱۷/۲	۵۲/۸	۷۰	۱۰۰

بنابراین میزان اعتبارات اولیه ۷ میلیارد ریال بود که پس از تجدیدنظر به ۸۴ میلیارد افزایش یافت. اما عملاً ۷۵ میلیارد ریال آن پرداخت شد. اجرای برنامه در چند سال اول، منجر به توسعه، تحرك و رونق اقتصادی گردید. دلایل این موفقیت عبارت بودند از:

الف: افزایش فروش نفت به کنسرسیوم، که پس از کودتای ۲۸ مرداد بر نفت ایران سلطه یافته بود و بدین وسیله پیوند تنگاتنگی با امپریالیسم برقرار گردید و اقتصاد تک محصولی ایران شکل گرفت و در نهایت به صورت زائید انتظام سرمایه داری مبدل گردید. نفت ایران از سال ۱۳۳۳ تا سال ۱۳۴۱ (به مدت ۹ سال) متجاوز از ۳۴۰ میلیون تن برداشت گردید که این مقدار از برداشت ۵۰ ساله گذشته افزونتر بود و به ادعای «کنور» کارشناس نفتی امریکا، هر بشکه نفت ایران در این سالها ۱۲/۵ دلار برای کمپانیهای غربی سود در برداشت. در حالی که تنها ۱/۵ دلار آن به ایران پرداخت می شد.

ب: همزمان با غارت نفتی توسط امپریالیسم پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، رژیم کودتا برای تثبیت موقعیتش و تامین منافع انحصارهای امپریالیستی، قانونی را در سال ۱۳۳۴ به تصویب مجلس شورای ملی رساند که طبق آن سرمایه گذارهای خارجی در ایران ضمانت و حدود فعالیت آنان مشخص می گردید. در ماده ۳ قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی چنین آمده است:

سرمایه هایی که به ایران وارد شده اند و منافعی که از بکار افتادن این سرمایه ها حاصل می شود تحت حمایت حقوقی دولت ایران قرار داد. تمام حقوق و تسهیلات و آزادیها که سرمایه های ایرانی و کارگاههای خصوصی ایرانی قرار دارند به همان صورت و به همان شکل برای سرمایه های خارجی و شعبات آنان نیز در نظر گرفته شود.^۱

طبق ماده ۴ این قانون، صاحبان سرمایه های خارجی حق داشتند هر سال سود خالص خود را که از بکار گرفتن سرمایه هایشان در ایران حاصل می شد، به صورت همان روزی که به ایران وارد کرده بودند، از ایران خارج کنند. این قانون خروج منافع سرمایه های خارجی از ایران را به صورت دلار ممکن می کرد. اولین و مهمترین

کشوری که به صدور سرمایه به ایران پرداخت امریکا بود. سرمایه‌های خصوصی امریکایی در کلیه بخشهای اساسی اقتصاد ایران تا زمان سقوط سلطنت پهلوی و پیروزی انقلاب اسلامی نفوذ و سلطه کامل داشت.^۱ مجله تهران مصور در این زمینه می‌نویسد: «در سال ۱۳۳۷ در ایران نمایندگی‌های ۱۰۴۸ کمپانی خارجی در رشته‌های گوناگون سرگرم کارند از جمله ۲۲۰ شرکت امریکایی، ۲۸۵ شرکت انگلیسی، ۱۶۰ شرکت فرانسوی ۱۵۱ شرکت آلمانی، ۵۳ شرکت ژاپنی، ۴۰ شرکت سوئدی و تعدادی دیگر... که این شرکتها کلید اقتصاد ایران را در دست داشتند و سالانه ۱۰۰ میلیون لیره استرلینگ از ایران خارج می‌کردند.»^۲

در ادامه این روند و براساس سیاستهای رژیم کودتا، به منظور جلب مشارکت بخش خصوصی در فعالیتهای به اصطلاح صنعتی کشور «بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران» تأسیس گردید. این بانک در سال ۱۳۳۸ با سرمایه‌ای معادل ۴۰۰ میلیون ریال و با مشارکت ۲۲ بانک بین‌المللی خارجی (۱۹ بانک خارجی عمده سهام آن را در اختیار داشتند) تشکیل شد و هدفش رشد سرمایه‌داری وابسته در ایران بود.

چندی بعد سازمان برنامه با صدور بخشنامه‌ای، شرکت دادن پیمانکاران و شرکت خارجی و مختلط را در مناقصه‌های دولتی آزاد اعلام نمود...

بدین جهت وضعیت ارزی دولت در سالهای ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۷ بسیار رضایت‌بخش بود، و در نتیجه «سیاست درهای باز» واردات کالاهای مصرفی رو به افزایش گذاشت. میزان واردات که در سال ۱۳۳۲ تنها ۸۰۲ میلیون ریال بود، در سال ۱۳۳۴ به ۱۰/۸ میلیارد و در سال ۱۳۳۹ به ۵۲/۶ میلیارد ریال افزایش یافت. در سالهای ۳۷ و ۳۸ عوامل چندی سبب کاهش موجودی ارزی کشور و افزایش قیمتهای داخلی گردید و دولت با کسر بودجه مواجه شد. دلایل کاهش موجودی ارز کشور عبارت بودند از: پیش گرفتن، افزایش حجم پول در گردش بر رشد اقتصادی کشور، افزایش سریع بودجه عادی دولت، عدم هماهنگی موسسات دولتی در اخذ وام از خارج. این روند منجر به تجدید نظر در برنامه عمرانی دوم در سال ۳۷ گردید.

۱. در سال ۱۳۳۶ قانونی به تصویب رسید که طبق آن سرمایه‌های امریکایی در ایران از امتیازات و اطمینانهای خاصی برخوردار شدند (شاپور رواسانی، دولت و حکومت، ص ۱۶۸).
 ۲. صابر، هدی، روستا منطقه مغضوب، تحقیق منتشر نشده سیمای جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۲.

هزینه ها و درآمدهای تجدیدنظر شده برنامه دوم به شرح زیر می باشد: ^۱

درآمدها				
درآمد	انجام شده (۳۴-۳۷)	برآورد شده (۳۸-۴۱)	کل درآمد برآورد شده	درصد
نفت	۲۲٫۸	۲۳٫۰	۶۵٫۸	۷۵
وام خارجی	۹٫۲	۱۲٫۲	۲۱٫۴	۲۵
کل درآمد	۳۲	۵۵٫۲	۷۸٫۲	۱۰۰
هزینه ها:				
هزینه ها	انجام شده (۳۴-۳۷)	برآورد شده (۳۸-۴۱)	کل هزینه برآورد شده	درصد
کشاورزی و آبیاری	۷٫۸	۱۱٫۱	۱۸٫۹	۲۲
ارتباطات و مخابرات	۱۲٫۰	۱۸٫۴	۳۰٫۴	۳۵
صنایع و معادن	۴٫۸	۲٫۰	۶٫۷	۸
امور اجتماعی	۴٫۵	۷٫۱	۱۱٫۷	۱۲
عمران منطقه ای	۳٫۳	۸٫۹	۱۲٫۲	۱۴
طرح های جدید	-	۱٫۰	۱٫۰	۱
طبقه بندی	۰٫۲	-	۰٫۲	-
هزینه های برنامه ریزی نشده	۱٫۶	۴٫۵	۶٫۱	۷
کل هزینه :	۳۴٫۲	۵۳٫۰	۸۷٫۲	۱۰۱

برنامه دوم بیشتر از نظر الگوی رشد، بر توسعه کشاورزی تاکید داشت و در عین حال بیشترین سهم هزینه ها را به گسترش ارتباطات و حمل و نقل ... اختصاص داده بود و آن را زمینه اساسی توسعه می دانست. در این برنامه همچنان به صنعت بی توجهی گردید. در طول برنامه، بخش خصوصی وابسته رشد کرده، زمینه لازم را برای کسب سودهای کلان توسط بخش خصوصی با مشارکت در طرحهای عمرانی را فراهم می ساخت.

مبلغ ۷ میلیارد ریال یا حدود ۱۰/۱ هزینه های برنامه دوم از محل اعتبارات، به صورت اعتبار در اختیار سرمایه گذاری بخش خصوصی قرار می گرفت^۱ و نتیجه آن ایجاد رشته صنایع مصرفی مونتاژ به گونه ای وسیع بود و این مسئله باعث گردید واردات مصرفی و واسطه ای افزایش یابد.

یکی از اقدامات دولت برای جبران کسر بودجه، تقاضای وام از صندوق بین المللی بود. صندوق مذکور «سیاست تثبیت اقتصادی»^۲ توصیه نمود و ۳۵ میلیون دلار وام داد. گرچه سیاست تثبیت اقتصادی، وضعیت ارزی کشور را سامان داد، ولی از اواخر سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۱ رکود را بر اقتصاد کشور حاکم ساخت و بیکاری گسترش یافت. مسائل و مشکلات برنامه دوم علاوه بر مسائل مالی عبارت بودند از:

۱. فراهم نبودن اطلاعات و آمار دقیق (که اساس طراحی هر برنامه ای است).
۲. عدم هماهنگی بین دستگاههای دولتی که از بودجه دولت برای برنامه های عمرانی استفاده می کردند.

۳. تعداد کم مامورین کارآموده برای اجرای عملیات عمرانی.

۴. کمبود پیمانکاران و مهندسین ورزیده در کشور.

۱. رزاقی، ابراهیم، ص ۱۷۶.

۲. رئوس کلی برنامه تثبیت اقتصادی و شروط به شرح زیر است:

۱. عدم کنترل سرمایه های خارجی

۲. عدم نظارت بر معاملات ارزی

۳. عدم کاهش ارزش پول ملی

۴. لغو کمک هزینه های دولت

۵. عدم کنترل قیمتها

۶. عدم اقدام به ملی کردن بازرگانی خارجی

۷. عدم افزایش دستمزدها ...

پرویز احمد، جزوه درسی سازمان مالی و پولی، دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۲۷.

برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۶-۱۳۴۱)

در ۲۰ دی ماه هیئت دولت، سازمان برنامه را که فرزندان ویلیام وارن^۱ در آن زمان به پستهای کلیدی آن سازمان دست یافته بودند، مامور تهیه برنامه سوم با استفاده از تجربیات گذشته کرد. در ۱۳ دیماه ۱۳۴۰ در جلسه ای با حضور شاه در سازمان برنامه، برنامه مزبور مورد بررسی قرار گرفت و لایحه قانونی این برنامه در ۱۸ شهریور ماه ۱۳۴۱ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. هدفهای این برنامه چنانکه رژیم ادعا می کرد، افزایش درآمد ملی، توزیع عادلانه درآمد و ایجاد کار برای عده ای بیشتر از مردم بود.

از تفاوتهای اساسی آن با برنامه دوم، این بود که در این دوره سازمان برنامه به صورت دستگاه برنامه ریزی و نظارت در اجرای برنامه های عمرانی درآمد. دلیل این امر فساد و ریخت و پاشهای کلانی بود که پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ در آن سازمان رخ داده بود و از این پس وزارتخانه ها و دستگاههای اجرایی مسئول اجرای طرحها شدند. از تفاوتهای دیگر آن با برنامه دوم، کاهش مدت آن به ۵ سال است. اما تعداد فصول برنامه نسبت به برنامه های قبلی اضافه شد.

درآمدها و هزینه های پیش بینی شده برنامه سوم به شرح ذیل می باشد:^۲

درآمدها (به میلیارد ریال)

درآمد	برنامه اولیه	تجدید نظر ۱۳۴۳	درصد	تجدید نظر ۱۳۳۴	درصد
نفت	۱۳۴	۶۱	۱۵۲	۶۲	
اوراق قرضه	۱۰	۵	۱۳	۵	
وامهای خارجی	۱۷	۸	۶۱	۲۴	
وامهای داخلی	۴۸	۲۲	۱۹	۸	
سایر درآمدها	۱۱	۵	۴	۲	

۱. ویلیام وارن سرپرست ادارات اصل چهار در ایران بود و شاگردان زیادی برای آینده در ادارات اصل چهار تربیت کرد.

۲. گزارش عملکرد برنامه عمرانی سوم سازمان برنامه، ص ۲۱.

کل درآمد	۲۲۰	۱۰۰	۲۵۰	۱۰۰		
از کل درآمدها کسر می شود:						
هزینه های اداری	۴		۲			
بازپرداخت وام	۱۶		۱۶			
درآمد برای مصارف عمومی	۲۰۰		۲۳			
هزینه ها : به میلیارد ریال						
هزینه ها	برنامه اولیه	درصد	تجدیدنظر ۴۳	درصد	تجدیدنظر ۴۴	درصد
کشاورزی و آبیاری	۳٫۳	۲۲	۴۵	۲۳	۴۹٫۲	۲۱
صنایع و معادن	۱۶٫۶	۱۲	۲۱٫۹	۱۱	۲۷٫۲	۱۲
نیرو و سوخت	۲۶٫۱	۱۹	۲۷٫۲	۱۴	۴۱٫۵	۱۸
ارتباطات و مخابرات	۳۰٫۲	۲۲	۵۰٫۲	۲۵	۵۶٫۲	۲۴
آموزش و پرورش	۱۳٫۵	۱۰	۱۷٫۹	۹٫۲	۱۷٫۴	۸٫۲
بهداشت و بهسازی	۱۰٫۲	۷	۱۳٫۹	۷٫۲	۱۳٫۵	۶٫۲
کار و نیروی انسانی	۶٫۲	۴	۸٫۲	۴٫۲	۳٫۶	۲٫۲
عمران شهری	۴٫۵	۳	۸٫۲	۴٫۲	۷٫۲	۳٫۲
سایر هزینه ها	۲٫۸	۲	۸٫۳	۴	۱۵٫۲	۶
کل هزینه ها:	۱۳۰٫۲	۱۰۰	۲۰۰	۱۰۰	۲۳۰	۱۰۰

الگوی توسعه موردنظر در برنامه سوم، با توجه به اهمیت هزینه های انجام شده، اولویت دادن به ارتباطات و مخابرات بود. در این دوره نیز بخش خصوصی همچنان به رشد فزاینده خود ادامه داد. براساس قانون برنامه تنها فعالیتهایی توسط دولت انجام می گرفت که بخش خصوصی از نظر مالی قادر به اجرای آن نبود؛ در نتیجه همانند برنامه دوم محور «توسعه برون زای» کشور بر پایه درآمدهای نفتی و استقراض خارجی تداوم یافت.

در این برنامه، درآمد نفت «دوسوم» کل درآمد را تشکیل می داد. در حقیقت برنامه ریزی تماماً بر پایه درآمد نفت صورت می گرفت. مجموع تولید ناخالص نفت ایران از سال ۴۱ تا پایان ۴۶ به حدود ۶۴۴/۵ میلیون متر مکعب رسید و میزان متوسط رشد تولید نفتی این دوره ۱۴/۷ درصد بوده است. کل صادرات شرکت ملی نفت ایران از آغاز تا پایان برنامه به حدود ۶۰۵ میلیون متر مکعب رسید.^۱

یکی از اقدامات مهم رژیم در طول این برنامه، انجام «اصلاحات ارضی» بود که در سال ۴۱ آغاز شد. این برنامه به توصیه «کندی» رئیس جمهور وقت آمریکا، در سه مرحله به اجرا در می آمد. کندی هدف از اجرای برنامه اصلاحات ارضی در کشورهای بحران خیز از جمله ایران را، در پیامی به کنگره آمریکا چنین برمی شمرد: «هیچ مقدار اسلحه و نیروی نظامی نمی تواند به رژیمهایی که نمی خواهند یا نمی توانند اصلاحات اجتماعی کنند، ثبات و استواری ببخشد... ماهرانه ترین مبارزات ضدپارتیزانی نیز نخواهد توانست در نقاطی که مردم کاملاً گرفتار بینوایی و فقرند موفق باشد. از طرف دیگر هیچ خرابکاری نمی تواند مللی را که با اطمینان خاطر برای جامعه بهتر می کوشند، فاسد کند.^۱ و «چستر بولز» مشاور کندی، که در سال ۴۱ برای آماده کردن زمینه انجام انقلاب به اصطلاح سبز، از بالا و مقابله با انقلاب سرخ به تهران سفر کرده بود، طی مصاحبه ای اعلام کرد: «... در این هنگام که سطح زندگی ها بالا می رود با اجرای اصلاحاتی همچون مالیات بردرآمد، مبارزه با بیسوادی و اصلاحات... فرصتهای خوبی ایجاد می شود تا افرادی نظیر «کاسترو» کمتر پدید آیند... در مورد ایران، برنامه سوم عمرانی مرا شدیداً تحت تاثیر قرار داد. طرح متهورانه و جامعی است که در آن توجه و تاکید مخصوص به احتیاجات مناطق روستایی شده... به عقیده من پایه و ثبات سیاسی کشوری که در حال توسعه است، در دهات گذاشته می شود.»^۲

بحث پیرامون زمینه های داخلی و بین المللی برنامه اصلاحات ارضی و اثرات آن را در ساختار روستاها و شهرها به بحث دیگر وا می گذاریم. همین بس که انجام این برنامه موجب مهاجرت میلیونها روستایی به شهر، نابودی تدریجی کشاورزی و تشدید رشد بخش خصوصی وابسته گردید. همچنین محیط بسته و خود بسنده روستایی را تغییر شکل داده و آماده ورود به بازار مصرف کرد و زمینه رشد و توسعه سرمایه داری در روستاها را فراهم نمود.

به طور کلی در طول برنامه، کشاورزی پائین ترین سطح رشد را داشت و این وضع باعث وابستگی هرچه بیشتر کشور به خارج برای ورود محصولات کشاورزی شد. به عنوان نمونه، در این سالها نه تنها واردات گندم، جو، برنج، چای ادامه یافت، بلکه

۱. صابرهدی، ص ۸.

۲. صابرهدی، ص ۹.

میزان واردات پنیر سفید و کشک از ۷۱ هزار ریال در سال ۱۳۴۱ به ۱۶/۶ میلیون ریال در سال ۱۳۴۶ و واردات تخم مرغ و تخم پرندگان از صفر ریال در سال ۱۳۴۱ به ۱۱۱/۷ ریال میلیون ریال در سال ۱۳۴۶ افزایش یافت و در تمامی سالهای بعد نیز ادامه یافت.^۱

از لحاظ توزیع مشاغل، مشاهده می شود که تعداد شاغلان در بخش کشاورزی که در سال ۱۳۳۵ قریب ۸۶ درصد از کل شاغلان را تشکیل می داد، در سال ۱۳۴۵ به حدود ۴۶ درصد کاهش یافت و در نتیجه نسبت جمعیت فعال کشور در این دوره از ۹۷/۴ به ۹۰/۹ درصد رسید.^۲

یکی از اقدامات دیگر رژیم در طول این برنامه پی ریزی انجام طرحهای بزرگ صنعتی مانند کارخانه های ذوب آهن، ماشین سازی و ... بود، که این اقدامات مطابق با تغییر استراتژی توسعه دلخواه غرب، از محور کشاورزی به محور صنعت بود. می توان گفت زمینه صنعتی شدن برابر با الگوی مورد نظر غرب و تضعیف بخش کشاورزی در این دوره زیر پوشش به ظاهر «الغای نظام ارباب و رعیتی» از محورهای اصلی برنامه سوم بود.

از دیگر اقدامات انجام شده، تاسیس سازمان امور اداری استخدامی کشور، به ادعای رژیم شاه برای اصلاح مقررات استخدامی و تشکیلات وزارتخانه ها و تشکیل دو وزارتخانه جدید «آب و برق» و «آبادانی مسکن» بود.

مجموع سرمایه گذاریهای داخلی انجام شده در طی این دوره بیش از ۴۳۳/۴ میلیارد ریال شد، که نسبت به پیش بینی اولیه برنامه سوم ۱۴۳ میلیارد ریال فزونی داشت. به طور کلی طی اجرای برنامه سوم، رقم سرمایه گذاری عمرانی دولتی به ۲۳۰ میلیارد ریال رسید.^۳

برنامه عمرانی چهارم (۱۳۵۲-۱۳۴۷)

برنامه عمرانی چهارم با هدف تسریع رشد اقتصادی و تکثیر درآمد ملی از راه افزایش قدرت تولید با اتکای بیشتر به توسعه صنعتی و بالا بردن بازده سرمایه و استفاده

۱. ضمیمه اقتصادی اطلاعات، ورجاوند فرهاد، ص ۵.

۲. همان منبع، ص ۱۱.

۳. باری بر ج، همان مأخذ، ص ۱۳۹.

از روشهای متری در کلیه فعالیتهای و گسترش تحقیقات علمی و عملی، خاصه در جهت حل مسائل توسعه اقتصادی ... توزیع عادلانه تر درآمد، کاهش وابستگی به خارج، تنوع بخشیدن به کالاهای صادراتی کشور و گسترش بازارهای موجود و دستیابی به بازارهای جدید خارجی، بهبود خدمات اداری^۱ به وسیله عناصر تکنوکرات وابسته به امپریالیسم (فرزندان ویلیام وارن) تدوین گردید؛ و پس از تصویب در مجلس شورای ملی در اواخر سال ۱۳۴۶ با اعتبار اولیه ۴۸۰ میلیارد ریال از اول فروردین ماه سال ۱۳۴۷ به اجرا درآمد. اما پس از تجدیدنظر در اعتبارات برنامه عمرانی چهارم در خرداد ماه سال ۱۳۵۰، اعتبار برنامه به ۵۶۸ میلیارد ریال افزایش یافت.

هدفهای این برنامه مانند برنامه های گذشته، برای کسب استقلال اقتصادی نبود، بلکه برای تعمیق و بنیادی کردن وابستگی اقتصادی بود.

درآمدها و هزینه های پیش بینی شده برنامه چهارم به شرح زیر می باشد:^۲

درآمدها (به میلیارد ریال)

درآمد برنامه:	مبلغ (به میلیارد ریال)	درصد
درآمد نفت	۳۸۵٫۰۰	۶۳
وام	۱۵۰	۲۵
درآمد گاز و پتروشیمی	۲۱	۳
اوراق قرضه	۵۰	۸
سایر درآمدها	۴	۱
کل درآمد ها	۶۱۰	۱۰۰
کسر می شود از کل درآمدها		
هزینه های اداری	۵٫۰۰	
بازپرداخت وامهای خارجی	۲۷	
بازپرداخت وامهای داخلی	۲۸	
سایر درآمدها	۵۰	
کل درآمد عمرانی	۴۸۰	

۱. مجموعه قوانین برنامه های عمرانی کشور، قانون برنامه عمرانی چهارم، ص ۹۳.

۲. سازمان برنامه، برنامه چهارم عمرانی کشور، صفحات ۳ و ۶۲.

هزینه ها	مبلغ (به میلیارد ریال)	درصد
کشاورزی و دامپروری	۶۵٫۰	۱۳
صنایع و معادن	۹۹٫۰	۲۱
نفت و گاز	۲۶٫۳	۵
آب	۲۸٫۵	۱
بیرو	۳۸	۸
حمل و نقل و لویات	۸۰	۱۷
مخابرات و رادیو و تلویزیون	۲۰٫۳	۴

هزینه	مبلغ (به میلیارد ریال)	درصد
عمران روستایی	۹٫۱	۲
عمران شهری	۷	۱
ساختمان و مسکن	۲۳	۵
آموزش و پرورش	۳۵	۷
فرهنگ و هنر	۱٫۸	-
جهانگردی	۳٫۸	۱
بهداشت	۱۳٫۸	۳
رفاه اجتماعی	۳٫۹	۱
آمار و تحقیقات و غیره	۴٫۶	۱
کل هزینه	۴۸۰	۱۰۰

با نگاهی به هزینه‌های برنامه عمرانی چهارم، مشخص می‌شود که هزینه‌ها تولیدی نبوده، بلکه یا صرفاً به ایجاد امکانات تولیدی مربوط می‌شد، یا خاص امور غیر تولیدی (حدود ۴۲ درصد) است.

الگوی رشد و توسعه موردنظر در این برنامه، صنعتی کردن کشور و رها کردن کشاورزی بود؛ سیاستی که در برنامه سوم آغاز و بعد از آن تداوم می‌یافت. در طول این سالها میزان رشد کشاورزی در پائین‌ترین سطح (۴ درصد) قرار داشت. تغییر الگوی توسعه ایران و افزایش سرمایه‌گذاری در صنعت، به ویژه از سوی دولت، از یک طرف به منظور رشد بازارهای خارجی متعلق به انحصارات امپریالیستی و امکان‌پذیر شدن تولیدات صنایع و در نتیجه رشد صنایع تولیدی به منظور سیاست جایگزینی واردات در داخل، و از سوی دیگر در چارچوب تغییر استراتژی موردنظر امپریالیسم در برخی از کشورهای در حال رشد، از رشد کشاورزی به رشد صنعتی بود.

در برنامه چهارم، کل سرمایه‌گذاری بخشهای عمومی و خصوصی حدود ۴۰۰ میلیارد ریال یعنی ۲۴ درصد تولید ناخالص ملی برآورد شد. در سه سال اول این برنامه، نسبت پس‌انداز به تولید ملی کاهش یافت و در نتیجه اتکاء اقتصاد به پس‌انداز خارجی شدیداً افزایش پیدا کرد و از نظر موازنه ارزی، کل دریافتیهای جاری کشور در سالهای ۴۹-۱۳۴۷ به طور متوسط سالانه ۱۵۵۵ میلیون دلار برآورد می‌شد. در مقابل، پرداختهای سالانه به حدود ۲۱۴۰ میلیون دلار بالغ می‌شد. رقم کسری حساب جاری موازنه ارزی حدود ۵۸۵ میلیون دلار در سال بود، که پس از احتساب خالص استفاده از وامها و سرمایه‌های خارجی (۴۳۸ میلیون دلار در سال) وضع موازنه ارزی سالانه حدود ۱۴۷ میلیون دلار منفی بوده است.

نفت همچنان به عنوان مهمترین منبع درآمد در برنامه عمرانی چهارم مطرح بود اهمیت حیاتی نفت در آن برنامه بدین ترتیب بیان می‌شد: «از خصوصیات مهم اقتصاد ایران طی این دوران اخیر اهمیت زیاد بخش نفت در مقایسه با دیگر بخشهای اقتصاد کشور است. صنعت نفت از سه نظر در اقتصاد ایران نقش حیاتی دارد، اول از نظر ارزی دوم از نظر درآمد و سوم از نظر تولید ناخالص ملی ...»^۱

۱. برنامه چهارم عمرانی ۵۱-۱۳۴۷، سازمان برنامه و بودجه.

در خلاصه اهداف برنامه چهارم در بخش صنعت نفت و گاز، رشد تولیدات بخش نفت در سال آخر برنامه چهارم، در مقایسه با سال ۱۳۴۴، میزان ۱۱۷٪ پیش بینی شده بود، سالانه به طور متوسط تولید ۸/۱۶٪ افزایش یافته بود. یکی از اهداف کلی برنامه چهارم عمرانی در فاصله سالهای ۵۱-۱۳۴۷ بر «توسعه صنعت نفت کشور» ازدیاد درآمد حاصل از آن و همچنین بر «گسترش عملیات شرکت ملی نفت در خارج از کشور» تاکید می ورزید.

تنظیم بودجه عمرانی برنامه چهارم به طور کامل مبتنی بر درآمد حاصله از نفت بوده است. در این برنامه نیز مانند گذشته، سیر واردات کالاهای مصرفی افزایش یافت و میزان واردات از ۹۰ میلیارد ریال در پایان برنامه سوم به ۱۹۳ میلیارد ریال در پایان برنامه چهارم رسید^۱، و فشار تورمی بر سطح قیمتها در سال ۱۳۴۸، با توجه به افزایش شاخص هزینه زندگی، به میزان ۳/۶ درصد نسبت سال ۱۳۴۷ افزایش یافت. سرمایه گذاریهای بی تناسب در این دوره موجب افزایش تقاضا برای نیروی انسانی شد و در نتیجه عرضه نامتعادل نیروی انسانی دستمزدها ترقی کرد.

یکی از مشکلات و تنگناهای عمده برنامه چهارم «تکیه فوق العاده به بخش نفت» در مقایسه با دیگر بخشهای اقتصادی کشور بود. از دیگر مشکلات این برنامه - که نتیجه سیاستهای نادرست تضعیف بخش کشاورزی بود - عبارتند از: وجود اختلاف فاحش بین درآمد روستاییان و شهرنشینان، مهاجرت لجام گسیخته به شهرها، گسترش حلیی آبادها و زاغه های شهری، گسترش واردات و دهها مشکل دیگر ...

برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۶-۱۳۵۲)

برنامه عمرانی پنجم در نیمه دوم سال ۱۳۵۱ تهیه و در بهمن ماه همین سال به تصویب مجلس شورای ملی رسید. هدفهای مشخص برنامه پنجم به ترتیب اولویت عبارت بودند از: «افزایش سطح زندگی، رفاه و تامین اجتماعی گروههای عقب مانده جامعه، تامین اشتغال مولد در کلیه مناطق کشور، استفاده کامل از ظرفیتهای تولیدی ایجاد شده در برنامه های عمرانی گذشته، حفظ رشد مداوم اقتصادی توام با ثبات نسبی

قیمتها و تعادل موازنه پرداختها^۱

کل اعتبارات این برنامه ۱۵۶۰ میلیارد ریال بود که بین سه بخش امور عمومی ۷/۷ درصد، امور اجتماعی ۳۰/۱ درصد، و امور اقتصادی ۶۳ درصد، تقسیم می شد. اما به دنبال جهش بی سابقه درآمد نفت در سال ۱۳۵۳، هدفهای توسعه اقتصادی و اجتماعی برنامه پنجم به گونه ای شتاب زده، بدون در نظر گرفتن امکانات و ظرفیتهای فیزیکی اقتصاد کشور در همین سال مورد تجدیدنظر قرار گرفت. رژیم تصور می کرد که این درآمدها بمه نزله کلیدی در دستش قرار گرفته و می تواند هر قفلی را باز کند و با دادن شعار جاه طلبانه «پیش بسوی تمدن» یا «رویای ایجاد ژاپن دوم در منطقه» میزان کل سرمایه گذاریها را به دو برابر برنامه پیش بینی قبلی افزایش داد.

هزینه های پیش بینی شده برنامه پنجم (تجدید نظر شده) ۱۳۵۲-۵۶

هزینه های پیش بینی شده طی برنامه پنجم (تجدید نظر شده) ۱۳۵۲-۵۶

هزینه ها	اعتبارات جاری	اعتبارات عمرانی	جمع کل
امور عمومی	۲۲٫۹	۲۳۰٫۴	۸۳۳٫۳
امور دفاع ملی	۱۹۶۸٫۷	—	۱۹۶۸٫۷
امور اجتماعی	۳۶۹٫۱	۹۲۰٫۹	۱۳۱۰٫۰
امور اقتصادی	۱۳۱٫۸	۱۹۹۷٫۴	۲۱۲۹٫۲
جمع کل	۲۸۷۲٫۵	۳۳۶۸٫۷	۶۲۴۱٫۳

در این تجدیدنظر، برنامه به سه بخش امور عمومی، امور اجتماعی و امور اقتصادی تقسیم می شد و کل اعتبارات عمرانی به ۳۳۶۸/۷ میلیارد ریال افزایش می یافت و امور عمومی ۱۲/۸ درصد، امور اجتماعی ۲۷/۹ درصد و امور اقتصادی ۵۹/۳ درصد از اعتبارات عمرانی پنجم (تجدیدنظر شده) را به خود اختصاص می دادند^۲. در مقایسه با اعتبارات قبلی، اهمیت نسبی امور عمومی افزایش یافت. دولت طی سالهای ۵۲-۵۶ حدود ۷۳/۲ میلیارد ریال درآمد داشت که

۱. برنامه پنجم عمرانی، ۱۳۵۲-۵۶، سازمان برنامه، ص ۵۴.

۷۷/۷ درصد آن از محل درآمد نفت بود که ۷۵۹۸ میلیارد ریال آن را هزینه کرده و از هزینه های مذکور ۲۵۴۹/۹ میلیارد ریال (۳۵/۶ درصد) آن صرف سرمایه گذاری ثابت شد و بقیه به امور جاری و سایر موارد اختصاص یافت.^۱

الگوی رشد و توسعه برنامه عمرانی پنجم نیز در راستای برنامه چهارم بر برنامه صنعتی شدن کشور و توسعه برون زای کشور بر پایه نفت تاکید داشت و ظاهراً نخستین هدف اساسی برنامه، کاهش وابستگی اقتصاد کشور به نفت عنوان شده بود. با توجه به این هدف، اجرای طرحهای جاه طلبانه از طرف دولت و ایجاد صنایع غیر اساسی مونتاژ از طریق بخش خصوصی، به عنوان حرکات سازنده و موثر در جهت صنعتی کردن و متنوع ساختن اقتصاد کشور بیان گردیده بود. در همین راستا کل اعتبار برای صنعتی کردن که موسسات اعتباری دولتی در اختیار بخش خصوصی گذاشتند از ۳۶۵/۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۱ به ۱۹۲۱/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ رسید. (۵/۳ برابر) حجم نقدینگی بخش خصوصی وابسته از ۴۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۱ به ۲۱۳۹/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۶ رسید.^۲

در رابطه با مسائل مذکور چنین استدلال می شد که در دراز مدت با ایجاد رشته های مختلف صنعتی و بسط آنها در نقاط مختلف کشور از طریق بخش خصوصی، علاوه بر حل مشکلات بیکاری و افزایش درآمد ملی، استقلال اقتصادی کشور در مقابل انحصارات خارجی به نحو مطلوبتری تامین خواهد شد و از این طریق می توان تکنولوژی پیشرفته را وارد کشور نمود. طبیعی است که با توجه به مشکلات بنیانی و ساخت ناسالم بخش صنعتی کشور که نتیجه استراتژی نادرست دهه ۴۰ بود، و همچنین رابطه نامتعادل و سلطه گرایانه انحصارات خارجی بود، نه تنها هدف کاهش وابستگی صنعتی کشور و هدفهای برنامه تحقق نیافت، بلکه نتیجه ای جز وابسته کردن روز افزون اقتصاد کشور به امپریالیسم و انحصارهای آن و نابودی صنایع کوچک و سستی نداشت.

در اثر اعمال سیاستهای مذکور، اقتصاد کشور به صورت زاییده ای از نظام سرمایه داری درآمد و اکثر صنایع نه تنها از تکنولوژی و مواد اولیه واسطه ای، بلکه از نظر نیروی انسانی نیز به خارجیان متکی گردیدند. در این دوره شاهد ورود کارگران

کره ای، فیلیپینی و ... به کشور هستیم. در حالی که طی این برنامه به «صنعت وابسته و معدن» و «ساختمان» توجه خاصی می شد و آنها از رشدی حدود ۱۶ درصد و ۱۴ درصد در سال برخوردار بودند. همچنان کشاورزی در بوته فراموشی سپرده شده بود و رشد آن از ۴/۶ تجاوز نمی کرد. پائین بودن سطح رشد کشاورزی گذشته از کمبود اعتبارات و تنگناهای دیگر، در نتیجه سیاست رژیم در نابودی تدریجی کشاورزی پس از انجام برنامه به اصطلاح اصلاحات ارضی در طی برنامه سوم و پس از آن بوده و در این ایام نیز با اتخاذ سیاستهای نادرست قیمت گذاری محصولات کشاورزی، و افزایش هزینه های تولیدی موجب شده بود که سرمایه گذارها در این بخش ترغیب نگردد. نابودی تدریجی کشاورزی، مسائلی نظیر مهاجرت لجام گسیخته روستاییان عمدتاً به شهرهای بزرگ از جمله تهران را به دنبال داشت. علاوه بر افزایش جمعیت شهرها که مصرف کننده مواد غذایی بودند، سبب بروز مشکلات اقتصادی و اجتماعی و تغییر سیمای شهرها به صورت ناموزون و گسترش حاشیه نشینی و ... گردید.

از طرف دیگر با توسعه فعالیتها و وارد شدن درآمدهای نفت در صحنه اقتصادی، درآمدها افزایش یافت، تقاضا برای خرید افزایش یافت و چون عرضه تولیدات داخلی از عهده جواوگویی به تقاضاها عاجز بود، سیل واردات کالاهای لوکس و مصرفی ... سرعت سرسام آوری به خود گرفت. در این زمان گاه بیش از صد کشتی برای تخلیه بار در کنار بندرگاهها صف می کشیدند و بندرها ظرفیت این همه واردات را نداشتند. حتی گاهی اوقات در یک ماه حدود یک میلیارد دلار «سورشارژ» جریمه تاخیر علیه بار پرداخت می شد. در اواسط سال ۵۴ میزان معطلی کشتیها در بنادر به طور متوسط به ۱۶۰ روز می رسید. در همین زمان که قیمتهای جهانی و داخلی هر دو افزایش یافته بود، دولت شروع به پرداخت سوبسید برای پاره ای از کالاهای مصرفی مثل گوشت، گندم، شکر و سیمان و ... نمود. واردات همچنان روز به روز بیشتر می شد. در حالی که سردمداران رژیم فریاد می زدند «پول داریم و همه چیز می خریم».

رژیم بخش دیگری از درآمدهای نفتی را به سرمایه گذاری در شرکتهای ورشکسته خارجی و دادن وام به کشورهای وابسته به بلوک غرب و خریدهای سرسام آور نظامی اختصاص داد. خرید صدها میلیون دلار از سهام کمپانی «کروپ» از بزرگترین ستونهای نظامی مجتمع نظامی-صنعتی «ناتو» می باشد. همچنین خرید بخش بزرگی از سهام

متعلق به انحصار امریکایی «لکهد» و «پان آمریکن» و موسسات ورزشکسته دیگر، وام یک میلیارد دلاری به دولت فرانسه برای غنی سازی اورانیوم، وام و کمکهای بلاعوض به کشورهای ارتجاعی مصر، سودان، سنگال، اردن و رژیم نژادپرست افریقای جنوبی ...

در مجموع تا سال ۵۶ ایران در حدود ۶/۷ میلیارد دلار به کشورهای وابسته امریکا کمک کرده است.^۱

بخش دیگری از درآمدهای نفتی، صرف خرید تسلیحات نظامی از کشورهای صنعتی غرب شد. این سلاح و تاسیسات نظامی خریداری شده در خدمت حراست از منافع نامشروع امریکا در منطقه و علیه مردم مظلوم مسلمانان ایران بکار گرفته شد. روزنامه لوموتن در ۱۸ مه ۱۹۷۸ در این باره می نویسد: «سطح خرید اسلحه توسط ایران، خصوصاً از امریکا به سالی ۱۰ میلیارد دلار می رسد. ایران بیش از نیمی از سلاحهای فروخته شده توسط امریکا را دریافت می دارد.»^۲

در این رابطه روزنامه لورور در ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۸ برای بیان حجم تسلیحات خریداری شده توسط ایران می نویسد: «از این پس تخت شاه بر روی ارتش قرار دارد. این ارتش قوی ۱۸ میلیارد دلار تجهیزات و وسایل نظامی در حدود ۲۰ سال گذشته از امریکا خریده است تجهیزاتی که تا قبل از ۱۹۸۰ تحویل ارتش ایران می شود، ارتش ایران قدرتمندترین ارتش جهان خواهد ساخت.»^۳

شاه مخلوع قبل از پیروزی انقلاب اسلامی سفارش ۱۲ میلیارد دلار سلاح جدید به اربابش امریکا داده بود.

بدین ترتیب اجرای برنامه پنجم که هزینه های فوق العاده ای را بر جامعه ما تحمیل کرد. در نتیجه این سیاستها آنچنان بحرانی را بوجود آورد که در سال ۵۶ دولت آموزگار برای مهار بحران اقتصادی و فسادهای حاکم بر آن «برنامه ریاضت اقتصادی» را عنوان کرد. چرا که این برنامه نه تنها نهادهای تورمی (۲۵ درصد) را در اقتصاد کشور بنا نهاد،

۱. رزاقی ابراهیم، ص ۱۸۴.
۲. ترکمان محمد، ماهیت و عملکرد امپریالیسم، انتشارات رسا، ص ۴۶. به نقل از روزنامه اطلاعات ۵۶/۷/۱۸.
۳. ترکمان محمد، ص ۲۳.

بلکه آسیب پذیری و وابستگی کشور را به خارج به شدت افزایش داد و ایران به صورت بازار مکاره غرب درآمد.

اشکالات استراتژیهای توسعه در برنامه عمرانی هفت ساله و پنج ساله رژیم گذشته را می توان در موارد ذیل توجیه کرد.

۱. توسعه به کمک انحصارات خارجی و بخش خصوصی وابسته، یکی از مشخصه های اصلی برنامه های عمرانی توسعه اقتصادی با کمک انحصارات خارجی و سپردن همه کارها به دست بخش خصوصی وابسته بود که طی چند برنامه عمرانی منجر به:

الف: از بین رفتن خودکفایی کشاورزی و وابسته کردن این بخش به غرب
ب: جلوگیری از ایجاد صنایع بنیادی در فرصت های مناسب و گسترش صنعت مونتاز

ج: تک محصولی کردن اقتصاد کشور

د: تغییر الگوی مصرف جامعه

ه: گسترش مناسبات اقتصادی فنی و تامین آزادی انحصارهای بین المللی در بازار داخلی و تشدید وابستگی در تمامی زمینه ها- گردید.

۲. محور استراتژیها توسعه «توسعه برون زای» کشور بود.

توسعه برون زای کشور که پایه درآمد نفت و استقراض استوار بود، هدفی جز ادغام اقتصاد و جامعه ایران در نظام سرمایه داری غرب نداشت. نابسامانیها و ناهنجاریهای اقتصادی و فرهنگی جامعه امروز ما نیز زاینده چنین الگویی است.

۳. عدم مشارکت مردم در استراتژیها توسعه:

یکی دیگر از مشخصه های استراتژیها توسعه در سی ساله اخیر، بها ندادن به مشارکت مردم در توسعه است. در حالی که این واقعیت به وضوح روشن است که در یک حکومت مستقل و مردمی، مردم هم ابزار توسعه هستند و هم هدف آن. اما در چند برنامه عمرانی گذشته در ایران، بجای اینکه به مشارکت واقعی مردم توجه شود، تکیه روی قشر محدود وابسته بخش خصوصی و سرمایه فیزیکی افزایش تولید ناخالص ملی براساس نظریات یکی از استراتژیست ها رشد و توسعه نظام سرمایه داری «روستو» استوار بود. دلیل این امر آنست که با توجه به دخالت مستقیم امپریالیسم در تدوین

برنامه ها و تعیین استراتژی رشد و توسعه و حاکمیت اصول و مبانی ارزشی غرب بر عناصر داخلی آن، چنین انگاشته می شد که اکثریت مردم از فرهنگ متناسب با توسعه برخوردار نیستند. نتیجه عملی ای که گرفته می شد این است که طرح مشارکت مردم در توسعه بی معنی است.

۴. نابودی تدریجی کشاورزی:

در بطن استراتژیها رشد و توسعه از برنامه عمرانی سوم به بعد، فراموش کردن و بی توجهی به کشاورزی طبیعی است. وقتی الگو رشد، توسعه صنعتی کردن کشور باشد عمده امکانات کشور به اجبار به طرف صنعت می رود و قسمت خیلی محدودتری جذب بخش کشاورزی خواهد شد و یکی از مشخصه های اصلی «محور توسعه برونزا» تاکید بر شهرنشینی و فراموش کردن کشاورزی است؛ در حالی که فراموش کردن کشاورزی به معنی فراموش کردن روستاها و قشر وسیعی از جمعیت کشور است.

۵. عدم تامین عدالت در جامعه:

یکی دیگر از مشخصه های اصلی استراتژی توسعه گذشته، عدم تامین و عدالت اجتماعی است و منجر به ایجاد شکاف عظیم بین گروه های اجتماعی گردید؛ در حالی که روشن است هیچ برنامه توسعه ای بدون تامین عدالت اجتماعی نمی تواند به پیش برود و عدالت و توسعه دو امر وابسته به یکدیگرند.

۶. عدم هماهنگی بین نیازها و هدفهای استراتژیهای توسعه و دهها اشکال دیگر. در پایان می توان نتیجه گرفت که امپریالیسم، گام به گام طی پنج برنامه هفت ساله و پنج ساله، فرآیند تک محصولی شدن اقتصاد، تغییر الگوی مصرف و وابستگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن را متناسب با هدفها و ارزشهای خود شکل داده است.

در این نوشتار تنها به بیان گوشه ای از ابعاد فاجعه پرداخته شده است و به یاری خداوند سببان بیان دیگر ابعاد فاجعه را به آینده وامی گذاریم.